

کانون جهان هستی

قصر صلح چان جانگ - پانزدهم اکتبر دوهزار و نه

چشن گرامیداشت مراسم برکت جهانی والدین راستین - چهاردهم اکتبر

با گردهمایی برای استقرار صلح‌آمیز سازمان ملل والدینی جهانی (یا گردهمایی برای تاسیس یک دنیای برآستی صلح‌آمیز سازمان ملل والدین راستین) که اول ماه ژوئن امسال برگزار گردید، شکلگیری چان ایل گوک در تمامی دنیا آغاز شده است. بعبارت دیگر ما به ورای سازمان ملل رفته‌ایم، به این خاطر از اول ماه اکتبر کشور استقرار سازمان ملل والدین یا بطور خلاصه پادشاهی صلح پا به عرصه وجود نهاده است.

اگر چه در کشورهای بسیاری پادشاهان بسیاری وجود داشته‌اند، اما از این به بعد تنها یک پادشاه پادشاهان خواهیم داشت. منتهی نکته اینجا است که نام آن یگانه پادشاه در کدام کشور برپا و اعلام خواهد شد. از آغاز تاریخ بشری تنها یک گروه از مردم جهان بوده‌اند که خدا را "هنه نیم" یعنی ماهیت یگانه و سرور یگانه نامیده‌اند، که آن ملت کره بوده است.

شعار امسال "عهد اعلان پیروزی اخلاق جنسی مطلق، حقوق عشق راستین، زندگی راستین و نسب خونی راستین در حوزه‌ی سبت جهانی والدین بهشت و زمین" است. در حوزه‌ی آرامش (سبت)، اخلاق جنسی مطلق است که نخست مطرح خواهد شد. یعنی اینکه در عهد و حوزه‌ی سبت جهانی والدین بهشت و زمین، یا عهد آرامش، اخلاق جنسی مطلق از اولین چیزها خواهد بود.

اخلاق جنسی مطلق چیست؟ آلات تناسلی پدر و مادر محذب و مقعر هستند. محذب میدهد و مقعر دریافت میکند، اما تا به این زمان موردی وجود نداشته است که در آن آلات تناسلی پدر و مادری بعنوان وسیله‌های متمرکز بر خدا به یکدیگر پیوسته باشند و این به خاطر سقوط بود.

به خاطر سقوط قابیل و هابیل، خدا والدین نامرئی، و والدین مرئی تمامی بشریت، از یکدیگر بیگانه شدند. خدا و والدین راستین از هم بیگانه، روح و جسم والدین راستین از هم بیگانه، دنیای روح و دنیای جسم از هم دور شدند، وسیله‌های که در آن اسپرم و تخمک پدر و مادر میتوانستند به هم پیوسته و با هم بمانند، از هم شکسته و در نتیجه اسپرم و تخمک که میبایست نطفه‌ی عشق پدر و مادر

میشدند، نتوانستند با هم یگانه شوند. همه چیز از هم جدا و پاره پاره شده‌اند. برای این است که همه خودسر یا خودمحور هستند و نقطه‌ی مرکزی وجود ندارد.

تمامی مردم دنیا گیج و سرگردان هستند به همین دلیل از آلفا و امگا یا از نقطه‌ی شروع و پایان، هیچ چیزی بیشتر از چگونگی مراحل نمیدانند. در این دنیای سقوط کرده، امیدی نیست، راهی نیست. برآستی چه کسی چنین کرد؟ شیطان چنین کرد. مردم از شصت و پنج کشور دنیا در اینجا گرد هم آمده‌اند، اما کدام کشور نقطه‌ی مرکزی است؟ همه چیز بخرنج و نامعلوم است.

خدا در چنین کشورهایی نیست. خدایی نیست، پدری نیست، مادری نیست، خانواده‌های نیست، قبیله‌های نیست و کشوری نیست. آیا امکان بازگشت ما به دنیای اصیل متمرکز بر آن زادگاه واحد و آن سنت واحد میتواند وجود داشته باشد؟ استقرار سازمان ملل هابیلی بعنوان نشانهای برای آغاز حرکت ما بسوی چنین دنیایی، در اولین روز اکتبر شروع شده است. شما باید بر این موضوع واقف باشید.

به این خاطر شکلگیری سرزمین پدری سازمان ملل هابیلی روز اول اکتبر آغاز شد. ما از اولین روز اکتبر تا سال ۲۰۱۳ سه سال و سه ماه در پیش رو داریم. اگر ۳ در ۳ ضرب شود عدد ۹ را خواهیم داشت. همه چیز باید در طی این دوره تکمیل شود. به همین خاطر همه چیز باید تا ژانویه سال ۲۰۱۳ به انجام برسد.

از این به بعد، کشورهایی که به سازمان ملل هابیلی پیوسته‌اند، باید به زبان کرهای سخن گفته و رویدادهای مهم را به زبان کرهای برپا کنند. آنها باید به زبانی تکلم کنند که زبان اصیل سرزمین پدری متمرکز بر خدا و والدین راستین است. در ضرورتی که خدای آفریننده و نامرئی و همینطور خدای مرئی برای اتحاد هابیل و قابیل و تمامی آن چیزهایی که در بهشت و زمین در مسیرهای جداگانه‌ی بالا و پایین، جلو و عقب و راست و چپ از هم جدا شده‌اند، احساس میکنند، نیاز به سخن گفتن وجود دارد، اما وضعیت در این زمان چگونه است؟

از این به بعد من چیزی جز زبان کرهای نخواهم دانست. گاه موارد که سعی میکنم تا به زبان انگلیسی یا ژاپنی سخن بگویم، بدون اینکه متوجه شوم انگاری لال میشوم و قادر نیستم که کلمه‌های عنوان کنم.

این آغاز و مقصد دنیای فرهنگی متمرکز بر خدا است. ما به مقصد رسیده‌ایم و اکنون عهد نوین بهشتی آغاز شده است، به همین خاطر باید سنت دنیای فرهنگ نوین را برپا داریم. برآستی برای اولین بار در تاریخ، یک فرهنگ نوین پا به عرصه‌ی وجود میگذارد.

بدینسان نه تنها با سخن گفتن به زبان مادری بلکه همچنین با وضع قوانین متمرکز بر فرهنگ و سنت سرزمین پدری و در پایداری با چنین قوانینی، میتوانیم بسوی دنیای ایده‌آل خدا به پیش برویم.

آنچه که من در هفتم ژوئن سخن گفتم چه بود؟ منظورم سخنانی است که در جشن دوپست و سی و سومین سالگرد استقلال آمریکا عنوان کردم. عنوان سخنرانی من در آن روز "سرور صلح، مالک نسب خونی" بود، سرور صلح که جد صلح نیز میباشد و سرور نسب خونی که همچنین جد نسب خونی نیز میباشد، نه جدا بلکه یگانه هستند. سرور نسب خونی و سرور صلح نه دو تا بلکه یکی هستند. خدا در نقطه‌ی مرکزی کروی شکل گرفته از اتحاد ظاهری و باطنی، یگانگی جسم، روح و ذات، ساکن میشود. والدین راستین، آموزگار راستین و پادشاه پادشاهان راستین کانون جهان هستی است.

با وجود پادشاهان بسیاری در بسیاری از کشورها، فقط یک پادشاه پادشاهان وجود دارد. بعدها از طریق چه سازمانی پادشاه پادشاهان در آرامش بر تخت خواهد نشست؟ انجمن روحالقدس برای اتحاد دنیای مسیحیت! (پدر با اشاره به حروف چینی نام انجمن میبرد) این حروف نشانهای چه چیزی است؟ انجمن دلالت بر بسوی هم آمدن خدا، هابیل و قابیل در یگانگی تحت صلیب میباشد. حرف (會) "ها" میتواند به چهار قسمت تقسیم شود که عبارتند از (人) یعنی انسان که زیر آن (一) یعنی یک و همینطور زیر آن (四) به معنای چهار پایه‌ی اساسی که بر روی (日) به معنای روز میباشد. در واقع مفاهیم مشیت الهی در این عبارت گنجانده شده‌اند.

تشکیل، رشد و کمال هم یکی هستند. نقطه‌ی مرکزی در اینجا غیرقابل مشاهده است. همه چیز در این سه مرحله تقسیم شده‌اند. در آن جایگاه که فرد بدنبال طی طریق از سه مرحله به کمال میرسد، تنها یک مفهوم، یک ایده‌آل و یک شادی وجود دارد. تنها چنین

خانواده‌ی مطلق می‌تواند کانون دنیای ایده‌آل شود. به این خاطر از این به بعد ما باید از زبان کرهای استفاده کنیم. لازم است تا شما نه تنها بر روی زمین بلکه حتی در دنیای روح نیز به زبان کرهای سخن بگویید.

همه چیز باید از طریق هفت، هشت، نه، ده، یازده، دوازده و سیزده به انجام برسند. لازم است تا همه چیز را در طی هفت سال تکمیل کنیم. این چیزی نیست که من بوجود آورده باشم. اگر بر چنین چیزی واقف نباشید، قادر نخواهید بود تا در پادشاهی بهشتی حتی یک برده باشید چه برسد به اینکه شهروند پادشاهی بهشتی شوید، حتی قادر نخواهید بود تا بزرگ فرشته شوید. آموختن برای شما ضروری است چرا که خواستار چنین چیزی هستید. اما باید بدانید که همه چیز در اطاعت محض به انجام خواهد رسید، بنابراین نمیتوانید راه خودتان را پیش بگیرید. آیا میتواند راهی جز راه خدا وجود داشته باشد؟ البته که نه.

با آگاهی از این مسئله، مراسم برکت هم باید به زبان اصیل کرهای برگزار شود. اگر کسانی هستند که زبان کرهای نمیدانند مردم کره باید به آنها آموزش بدهند.

من به اینجا آمده، مراسم برکت را برگزار کرده و هدیه دریافت کردم. این مراسم، مراسم برکت سه نسل بود. پدر بزرگ، مادر بزرگ، خود شما و به اضافی قابیل و هابیل، که با هم برکت پنج نسل میشود. اگر خدا و والدین راستین را هم به آن اضافه کنید، هفت نسل خواهند شد که با شرکت در این مراسم برکت دریافت کردند. تمامی هفت نسل در یک حوزه هستند.

شعار امسال "عهد اعلان پیروزی اخلاق جنسی مطلق، حقوق عشق راستین، زندگی راستین و نسب خونی راستین در حوزه‌ی سبت جهانی والدین بهشت و زمین" است. ما سرانجام به حوزه‌ی آرامش و اخلاق جنسی مطلق نائل آمده‌ایم. بدنبال ازدواج یک مرد و زن و سپس ملاقات اسپرم و تخمک آنها، چه اتفاقی روی خواهد داد؟ بهشت و زمین و جهان هستی که بطور ایرودینامیکی به هم متصل هستند به جوش می‌آیند، اما برای چنین چیزی باید به ورای درجه حرارت ۱۰۰ رفت. ۸۰ یا ۹۰ درجه کمی گرم بوده و برای بدن جسمی مناسب و دلچسب است، اما درجه حرارت باید به ورای ۱۰۰ رفته، به ۱۰۴ درجه، ۱۱۰ درجه یا ۱۲۰ درجه برسد تا زمانی که آب بخار شده و ناپدید گردد، یعنی زمانی که آب در هوا شناور شود.

برای فهمیدن این نکات، ضروری است تا شما موطن اصیل، والدین راستین، پادشاه راستین و خدای راستین را درک کنید. دیگر چه چیزی را باید درک کنید؟ در پس خدا، والدین راستین و پادشاه پادشاهان دنیای روح هستند. شما از والدین راستین و پادشاه پادشاهان چیزی نمیدانستید، اما اکنون میدانید که یک خدای واحد وجود دارد، او والدین راستین، آموزگار راستین، پادشاه راستین، و پادشاه پادشاهان است. تمامی آن چیزهایی که تا به حال از هم جدا شده بودند، درست در اینجا متحد شده و به میوه خواهند نشست.

چان ایل گوک موطن اصیل و سرزمین اجدادی خدا است. بعبارت دیگر موطن خدا سرزمین پدری میشود. حرف چینی "چان" (天) میتواند به دو قسمت تقسیم شود، یعنی به (二) دو و (人) انسان. یعنی اتحاد دو نفر (一)، و این چیزی است که رورند مون نهضت هماهنگ در عبارت چان ایل گوک به آن اشاره دارد. بعبارت کوتاهتر، چان ایل گوک کشوری است که در آن هابیل و قابیل، بالا و پایین، جلو و عقب با هم متحد و یگانه میشوند.

خدا مالک (فرهنگ پیشرو) حوزه‌ی بین فرهنگ غرب و فرهنگ شرق است. (در این حوزه) تنها یک مالک داریم، وجود دو مالک امکان ندارد. و کشور کره تنها ملتی است که دارای فرهنگی با چنین سنتی است...

هر چیزی باید از سه مرحله طی طریق کند. برای شما نیز طی طریق از سه مرحله‌ی رحم، دنیای جسم و دنیای روح ضروری است. در زمان خروج از رحم و ورود به دنیای جسمی، شما چیزی از پدر و مادرتان نمیدانستید. چیزی درباره‌ی دنیای روح و زمین، درباره‌ی پادشاهی بهشتی یا جهنم نمیدانستید. آیا شما در آن لحظه چیزی درباره‌ی چگونگی یک شهروند پادشاهی بهشتی میدانستید؟ خیر نمیدانستید. این چیزی است که درباره‌ی آن آموزش دریافت میکنید. بدون شک این نکته درست است که میگویند، کسی که به کمال نائل نشده نمیتواند به پادشاهی بهشتی برود.

به این خاطر از این به بعد، من باید یک سیستم تازه بوجود آورم. تنها سه سال و سه ماه پیش رو داریم. حاصل ضرب این دو عدد، ۹ میشود که ما بطور حتم این عدد را تکمیل خواهیم کرد. اعداد شش، هفت، هشت، نه و ده. شما شناختی از این اعداد ندارید. شما حتی نمیدانید که چرا سبت هفتمین روز است، چرا عدد هفت است؟ شما باید از تمامی اینها آگاهی کسب کنید. تنها زمانی که بر اینها واقف شدید، قادر خواهید بود تا رها و آزاد شوید.

از این به بعد برای شما آگاهی از سنتهایی که من بوجود آوردهام امری ضروری است و تنها با آگاهی شما از آن سنتها است که شروع پادشاهی بهستی امکان پذیر خواهد بود.

خدا مالک فضا، همچنین مالک زمان است. این موضوع در مورد پیوند یا نقاط گذار نیز صادق است. در فلسفه شرق از فضا و زمان در ورای دنیا سخن گفته میشود. خدا (日) روز، (土) زمین و (寸) پیوندها را آفرید. اینها با هم (時) زمان را بوجود میآورند. در واقع زمان دربرگیرندهی این سه تا است. در فلسفه شرق میتوان زمان و در زمان میتوان پیوند را یافت. همچنین میتوان در (عبارات چینی) دوران کودکی، جوانی، میان سالی و پیری پیوندها را مشاهده کرد. این کلمات معنای خود را به تصویر کشیدهاند.

در زبان انگلیسی چند حرف الفبا داریم؟ در کرهای ما دارای چهارده حرف (가, 나, 다, 라, 마, 바, 사, 아, 자, 차, 카, 타, 파, 하) در آداب و رسوم غربی نمیتوان عدد سیزده را یافت. به شهر لاسوگاس بروید و خودتان ببینید. در هتل انکور طبقه سیزده وجود ندارد. آنها طبقه ۱۳ را جا گذاشتهاند، اما خدا میخواهد تا وارد آنجا شود ...

شما نمیدانید که چرا حروف به این شکل درآمدهاند. اما رورند مون برای آموزش به اینجا آمده است و اکنون شما میتوانید بدانید که بهشت چطوری است، زمین چطوری است، یا شرق و غرب، شمال و جنوب چگونه هستند، خورشید و ماه چگونه هستند، شهاب سنگ و ستاره چگونه هستند و جهان هستی چگونه است. نشانی تمامی اینها در چهره انسان موجود است. از اینرو (پدر با اشاره به قسمتهای مختلف در چهره و بدنش می‌شمارد) ، یک، دو، سه، چهار، پنج، شش و هفت. سینه هشت، ناف نه، ... ده ... یازده و ... دوازده است. شما نمیدانید که دوازده نقطه اصلی در بدن انسان وجود دارد.

در ترانهی سنتی کرهای به نام "آریرانگ" به دوازده نقطه اشاره شده است. در ضمن یک مصراع در شعر این ترانه میگوید، فرد با پاهای زخمی قبل از اتمام ده ری یعنی قبل از عبور از عدد ده، جان میسپارد. بعبارت دیگر، پاهای او قبل از رسیدن به عدد ده زخمی میشود و دیگر قادر به ایستادن نیست. مشاهده میکنید؟ حتی ترانههای رایج کرهای هم از مشیت الهی سخن میگویند.

رورند مون برای برپا داشتن مالکان صلح و نسب خونی، والدین راستین، آموزگار راستین، پادشاه راستین، در مقام تنها پسر آن خدای واحد و یگانه— که در این آرزو بود که بهمراهی پادشاهان کشورها، تاریخ ناسازگاری بین قابیل و هابیل را که در آن، آنها خون یکدیگر را ریخته و یکدیگر را به قتل رساندند، پاکسازی نموده و با برپا داشتن یک نسب خونی راستین یک دنیای واحد بر روی زمین و در دنیای روح بنا کند—حتی با مرگ دست و پنجه نرم کرد.

جام صلح وانگو، اشاره به اخلاق جنسی مطلق، یعنی اشاره به محدب مطلق و مقعر مطلق دارد. آیا خود جام یک وسیله نیست؟ جام صلح اشاره به بسوی هم آمدن در یگانگی محدب مادر و مقعر پدر، یا بسوی هم آمدن و رقص در شادی اسپرم و تخمک دارد. آنگاه چه روی خواهد داد؟ آنها باید با شلیک اسپرم و تخمک عشق بتوانند بسان ابرها به آسمانها برسند ...

چه خوشتان بیاید و چه نه، چه مرگ را به زندگی ترجیح بدهید یا نه، ما باید کتاب راهنما و آن مواد آموزشی را آماده کنیم که از طریق آنها بتوانیم در تاسیس سنت پادشاهی بهستی راهگشا باشیم.

ما دایرهالمعارف درست کردهایم. چرا دایرهالمعارف بسیاری، مثل دایرهالمعارف سرخ بوستان، دایرهالمعارف سفید بوستان، دایرهالمعارف کمونیستها و حتی دایرهالمعارف در مخالفت با مذاهب نیز نوشته و چاپ شده است؟ فقط یک دایرهالمعارف باید وجود داشته باشد. من لغت نامهی روسی درست کردم، همینطور یک لغت نامهی چینی هم با بیش از ۳۸۰ هزار لغت درست کردم. چرا؟ یک ملت متمدن بدون داشتن ماخذ از دایرهالمعارف کشورهای دشمن در همسایگی خود نابود خواهد شد.

از آنجاییکه تمامی انواع دایرهالمعارفهای مذهبی، سیاسی، فرهنگی، پزشکی همه درست شدهاند، اما آیا اینها کمکی به اثبات فلسفه عشق میکنند؟ کسی جز رورند مون دارای مصالح و طرح اولیه برای بنای خانه نیست. هیچ کسی از هر کشوری که باشد، در بنای این خانه حتی با اضافه کردن یک تکه سفال، آجر، یا مشت خاکی یا حتی یک تکه چوب کوچکترین کمکی نکرده است.

من انسان بیملحظه و غیرقابل اعتمادی نیستم، من نمیتوانم یک زندگی خودخواهانه داشته باشم... امروز چه روزی است؟ پانزدهم است اینطور نیست؟ ما به ورای نقطه اوج میرویم؛ به ورای خط مرزی میرویم، اما بدون آگاهی نمیتوانیم چنین کنیم، تنها با کسب

آگاهی قادر به انجام آن خواهیم بود. هزاران و دهها هزار پادشاه در کشورهای جهان در گذشته وجود داشته‌اند، اما تمامی آنها دروغین بوده‌اند. تنها یک پادشاه پادشاهان، پادشاه تمامی نژادها می‌تواند وجود داشته باشد، و او خدای نامرئی است.

همچنین خدای نامرئی، والدین راستین است. بعبارت دیگر او والدین راستین است. آموزگار راستین والدین راستین است و پادشاه راستین، آموزگار راستین می‌باشد. خدای نامرئی آن ماهیت یگانه را که می‌تواند پادشاه راستین، آموزگار راستین و والدین راستین باشد، در مسیر نیل به کمال خود به دو بعد روحی و جسمی تقسیم کرد. او همچنین برای اتحاد دوباره‌ی آنها پابرجا بوده است. تا زمانیکه همه چیز آنچنان بازسازی نشود که والدین راستین بیایند و همه چیز را مرتب کنند، یعنی تا زمانیکه نتوان به راه حلی بر روی زمین نائل آمد، تحقق آن در دنیای روح امکان پذیر نخواهد بود.

با توجه به این نکته، خدا از طریق چهار مقدس بر روی زمین کار می‌کرده‌است، در میان پیروان والدین راستین چطور؟ به‌رحال به تنها نتیجه‌ی منطقی و قابل قبولی که می‌توان نائل آمد آن است که تا زمانیکه حوزه‌ی واقعی در چهار تمدن شرق، غرب، شمال و جنوب بواقعیت درنیاید، و استاندارد اصیل قبل از جدایی بهشت و زمین، بازسازی نشود، پایهای برای کار و تلاش خدا و همینطور برای والدین راستین وجود نخواهد داشت. این تنها و یگانه ریشه‌ی سنت ما است. (در چنین جایگاهی) وجود دو ریشه یا دو سنت امکان ندارد، وجود دو فرهنگ نیز امکان ندارد.

آیا شما مالکان صلح شده‌اید؟ آیا مالکان نسب خونی شده‌اید؟ خیر هنوز چنین چیزی بواقعیت درنیامده است. ضروری است تا خدای نامرئی و والدین راستین واقعی و مرئی در پیشگاه خدای یکتا در مقام آموزگار راستین و پادشاه راستین قرار گرفته و حوزه‌ی جهانی سبب و اخلاق جنسی مطلق هابیل و قابیل را از طریق جام صلح وانگو بنا کنند. و این مراسم برکت سه نسل، مراسم برکت ازدواجی است که بموقع یعنی در زمان لازم برای ملاقات نوین اسپرم پدر مطلق و تخمک مادر مطلق انجام گرفته است.

کتاب "گردهمائی برای استقرار دنیای صلح راستین و سازمان ملل هابیلی" را بیاورید. من این کتاب را با خود به همه جا می‌برم. من برآستی نمیتوانم آن را از خاطر ببرم. این کتاب ۳۳ صفحه دارد. باید بگویم که از آن بیخبر بودم و وقتیکه متوجه تعداد صفحات آن شدم، بسیار شوکه شدم.

من بطور قلبی در پیشگاه خدا گریه می‌کردم، که من فرزندی ناخلف هستم. من همچنان ادامه میدادم بدون اینکه بدانم بخشی در مورد من وجود ندارد. این عدد مشابه با سن عیسی در زمان مرگ او است. شروع به خواندن کردم اما بیشتر از سه خط دوام نیاوردم. نتوانستم بیشتر از سه خط از صفحه‌ی ۳۳ را بخوانم. به خودم گفتم، ۳ ضربدر ۹ میشود ۲۷ و دیگر نتوانستم به ورای عدد ۹ بروم. به همین خاطر ۳ سال و ۳ ماه باقی مانده است. من باید در طی این دوره‌ی زمانی به پایان این راه نائل آمده و سرانجام به ورای آن بروم. من در موقعیتی هستم که اشاره به متن آن سخنرانی دارد.

من در پنج خط صفحه‌ی اول مقدمه‌ی این کتاب مخصوص، تمامی دنیا را جای داده‌ام. من در آن تاریخ هابیل و قابیل را آشکار ساختم. تا به حال متن سخنرانی شش بار ویرایش شده است. این متن دربرگیرنده‌ی گفتار هیچ کس دیگری نیست، بلکه حاوی آن چیزهایی است که تنها من آشکار ساختم. این نخستین سخنرانی است که انرژی زیادی برای آماده ساختن آن صرف کردم.

"اعضای عزیز نهضت، که خداوند برآستی شما را دوست میدارد!" عبارت عضو در اینجا آمده است، ما اعضایی هستیم که با هم به پادشاهی بهشتی رفته و با هم در صرف غذا سهیم میشویم.

"شما بواسطه‌ی پیش گرفتن یک زندگی بروشنایی خورشید و به پاک‌ی رودخانه‌ها، برکت گرفته‌اید. اعضای عزیز نهضت که خداوند شما را برآستی دوست میدارد!" شما اعضایی هستید که میتوانید به پادشاهی بهشتی پا بگذارید. بنابراین ما "مراسم تاریخی تاجگذاری برای حوزه‌ی اختیار آزادی خدا" را در سه موقعیت در روزهای ۱۵ و ۳۱ ژانویه برگزار کردیم. مخصوصاً در روز سی و یکم دو بار، یکی در چانگ پیانگ کره، نماینده‌ی حوزه‌ی شرق و بعدی در شهر نیویورک آمریکا نماینده‌ی حوزه‌ی غرب برگزار شد.

ما سه روز پیش، سومین را اضافه کردیم، و چون همه خواب بودند، من خودکار برداشتم تا یادداشت‌هایم پاک نشود. چیزی که نوشتم این است: ما پیشکش این رویداد مشیتی بیسابقه در تمامی طول تاریخ را در پیشگاه خدا سه بار ثبت کرده‌ایم. به جای اینکه عنوان شود که در دو مکان یعنی قصر صلح چان جانگ و نیویورک آمریکا بعنوان نماینده‌ی حوزه‌ی غرب برپا شده است، اشاره کردم سه

بار. ما لاسوگاس را از خاطر برده بودیم، اگر چه یکی از مهمترین مکانها است، اما جا مانده بود و به همین خاطر لاسوگاس را بعنوان سومین نقطه اضافه کردم.

بعضی از مردم میگویند، "رورند مون دیگر پیر شده و کاری از دستش برنمیآید به همین خاطر کلیسا را از یاد برده و بدون هیچ درکی از خدا، دنیای جسم و یا شهروندان بهشتی به مکانهای قماربازان و جاهایی از این دست میرود و همراهی خود را با شیطان حفظ میکند. به نظر میرسد که سرانجام او به جهنم ختم خواهد شد!" اما چنین نیست.

من تنها انسانی هستم که توانایی گشایش دروازههای جهنم را دارد، به همین خاطر نمیتوانم از رفتن به آنجا (به شهر لاسوگاس) خودداری کنم. این دشوارترین ماموریت است. در سفر به آنجا، پاهایم به سنگینی وزن مرا تحمل میکنند و من نهایت سعی خود را دارم تا هر چه قدر آهسته اما قدم به قدم خود را به جلو هول بدهم. حتی فرزندان من فکر میکنند که من از سفر به آن شهر لذت میبرم. وقتی که به آنها میگویم تا برای دیدار من بیایند، آنها در پاسخ میگویند که "تو به یک مکان پلید رفتهای و من نمیتوانم به آنجا بروم".

بله، آنجا یک مکان پلید است، اما ببینید که آیا در آینده، سه یا چهار سال بعد همچنان پلید خواهد بود؟ چه کسی بود که به اینجا آمد تا دروازهها را بگشاید؟ چه کسی بود که با اشک و بدون صبحانه، ناهار یا شام برای نجات دیگران پا به پیش نهاد؟ باید بدانید که این دره با اشکهای من پوشیده شده است.

شما بعنوان نمایندهی رورند مون، سه سال و سه ماه در پیش رو دارید. چقدر هولناک است؟ همه چیز در این کتاب گنجانده شده است. این کتاب یک آینه است.

پایان